

## مطالعه مقدماتی روابط ساختاری عامل‌های شخصیتی هگزاکو با اختلالات شخصیت خوشه B

عیسی حکمتی<sup>✉\*</sup>، مجید محمودعلیلو<sup>\*\*</sup>،

روح الله سیدمهدوی اقدم<sup>\*\*\*</sup> و سولماز خجسته<sup>\*\*\*\*</sup>

### چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی روابط ساختاری عامل‌های شخصیتی هگزاکو با اختلالات شخصیت خوشه B بود. بدین منظور ۱۰۰ دانشجوی از بین سه دانشکده دانشگاه تبریز به صورت تصادفی ساده انتخاب شد و ابزارهای پژوهش شامل آزمون بالینی چندمحوری میلون ۳ (MCMI-III) و پرسشنامه هگزاکو- تجدیدنظر شده (HEXACO-PI-R) را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به شیوه کم‌ترین مجذورات جزئی استفاده شد و داده‌ها به وسیله نسخه دوم نرم‌افزار SmartPLS تجزیه و تحلیل شد. نتایج مربوط به مدل اندازه‌گیری هر یک از عامل‌های شخصیتی هگزاکو و اختلالات شخصیت نشان داد که برخی نشانگرها، بار عاملی ضعیفی بر متغیر مکنون خود داشتند و بنابراین، از مدل حذف شدند. در بخش مدل ساختاری نیز نتایج نشان داد که دلپذیربودن، هیجان‌پذیری و صداقت-فروتنی بر اختلال شخصیت ضداجتماعی؛ دلپذیربودن و هیجان‌پذیری بر اختلال شخصیت مرزی؛ برون‌گرایی و گشودگی به تجربه بر اختلال شخصیت نمایشی و نهایتاً هیجان‌پذیری، برون‌گرایی و صداقت-فروتنی بر اختلال شخصیت خودشیفته تأثیر معنادار دارند و بخشی از واریانس آن‌ها را تبیین می‌کنند. همچنین ضریب  $Q^2$  نشان داد که مدل مورد مطالعه، توانایی پیش‌بینی نشانگرهای متغیرهای مکنون درون‌زا را داراست.

### کلیدواژه‌ها:

شخصیت؛ مدل هگزاکو؛ اختلال شخصیت؛ خوشه B

\*✉ دانشجوی دکترای روانشناسی، دانشگاه تبریز Iesa. Hekmati@gmail.com

\*\* استاد روانشناسی بالینی، دانشگاه تبریز

\*\*\* کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحقیقات تهران

\*\*\*\* کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۱۲

## مقدمه

یکی از تحولات اخیر حوزه روان‌شناسی شخصیت، ظهور نظریه شش عاملی هگزاکو است. در دهه گذشته برخی مطالعات (مثل دیبالس و فورزی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹؛ سائوسر، جورجیادس، تاسوئیس و گلدبرگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ چورچ، ریس، کاتیباک و گریم<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷) با استفاده از روش مطالعه واژگانی<sup>۴</sup> و تحلیل عاملی نشان دادند که راه حل پنج عاملی برای تبیین شخصیت مناسب نیست (اشتون و لی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). جالب اینکه یافته‌های این مطالعات و مطالعات بعدی، راه حلی شش عاملی را آشکار کردند که در دوازده زبان تأیید شده است. مطابق گزارش اشتون، لی، پرگونی، زاروتا، دوریس<sup>۶</sup>، دیبالس و همکاران (۲۰۰۴) واژگان شخصیتی زبان‌های هلندی، فرانسه، آلمانی، مجارستانی، ایتالیایی، کره‌ای و لهستانی راه حل شش عاملی مشابهی را پیشنهاد کرده‌اند و اخیراً یک ساختار شش بعدی مشابه در تحلیل مجدد داده‌های آرشیوی مبتنی بر واژگان مربوط به شخصیت در زبان انگلیسی (اشتون، لی و گلدبرگ، ۲۰۰۴)، همچنین واژگان زبان یونانی (لی و اشتون، ۲۰۰۶؛ به نقل از لی و اشتون، ۲۰۰۸)، کرواسی (اشتون، لی و دوریس، ۲۰۰۵؛ به نقل از لی و اشتون ۲۰۰۸)، ترکی (واستی، لی، اشتون و سومر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸) و فیلیپینی (اشتون، لی، دوریس، زاراتو، مارکوس<sup>۸</sup>، واستی و همکاران، ۲۰۰۶) نیز شش عامل را نشان داده است. اشتون و لی (۲۰۰۷) نتیجه‌گیری کرده‌اند که بر خلاف پیشنهادات پیشین (مک کرا و کوستا<sup>۹</sup>، ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۳)، شواهد جدید از مدل پنج عاملی به عنوان مدل جهان‌شمول و بین فرهنگی ساختار شخصیت حمایت نمی‌کنند و آن‌ها مدل شش عاملی هگزاکو را به عنوان جایگزین آن معرفی کرده‌اند. از این شش عامل، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و گشودگی به تجربه، به دلیل مشابهت محتوایی آن‌ها با همان عوامل در مدل پنج عاملی، دست نخورده باقی

- 
1. Di Bals & Forzi
  2. Saucier, Georgiades, Tsaousis & Goldberg
  3. Church, Reyes, Katigbak & Grimm
  4. Lexical study
  5. Ashton & Lee
  6. Perugini, Szarota & de Vries
  7. Wasti, Lee, Ashton & Somer
  8. Szarota & Marcus
  9. McCrae & Costa

مانده‌اند. بدین دلیل نام‌های پیشین برای آن‌ها ارائه شده است (اشتون و همکاران، ۲۰۰۴). رابطه دو عامل دیگر با ابعاد مدل پنج عاملی، پیچیده‌تر است. یکی از این دو عامل مشابه روان‌رنجوری، مدل پنج عاملی است، به استثنای اینکه خشم را (که عمدتاً ثبات هیجانی پایین را نشان می‌دهد) شامل نیست و به جای آن احساساتی بودن را در بر می‌گیرد که در مدل پنج عاملی مربوط به دلپذیر بودن بود (سائوسر و گلدبرگ، ۱۹۹۸) و بنابراین، اشتون و همکاران (۲۰۰۴) این عامل را هیجان‌پذیری<sup>۱</sup> نامیده‌اند. برعکس، عامل پنجم مشابه عامل دلپذیر بودن در مدل پنج عاملی است، اما فاقد احساساتی بودن و شامل خشم است. اشتون، لی، درویس، پرگونی، گینسکی و سرگی<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) برای عامل آخر نام صداقت- فروتنی<sup>۳</sup> را پیشنهاد کرده‌اند که از نظر محتوایی صفاتی چون راستگویی و انصاف (که نشانه صداقت است) و صفاتی چون فقدان خودنمایی<sup>۴</sup> و فقدان حرص (که نشانه فروتنی است) را شامل می‌شود.

اشتون و لی (۲۰۰۱) یک چارچوب نظری دو بخشی برای این ابعاد ارائه کرده‌اند که در بخش نخست، سه عامل شخصیتی (صداقت- فروتنی، هیجان‌پذیری و دلپذیر بودن) بر حسب سه صفت - انصاف، بخشش و همدلی / دل‌بستگی - تبیین شده است. بدین منظور اشتون و لی (۲۰۰۷) این سه عامل را بر اساس دو سازه زیستی نوع دوستی متقابل<sup>۵</sup> (تریورز، ۱۹۷۱) و نوع دوستی خویشان<sup>۶</sup> (همیلتون، ۱۹۶۴) تبیین کرده‌اند (مراجعه کنید به پرگونی، گالوسی، پرساگی، ارکولانی<sup>۹</sup>، ۲۰۰۳). آن‌ها در بخش دوم پیشنهاد کرده‌اند که سه بعد دیگر شخصیت می‌توانند به عنوان صفاتی تعبیر شوند که شامل درگیری فعال در سه حیطه از فعالیت - اجتماعی، عمل‌گرا و اندیشه‌گرا- است (اشتون و لی، ۲۰۰۱). با این حال اشتون و لی (۲۰۰۷) معتقد هستند که با توجه به جدید بودن مدل هگزاگو، برای بررسی کاربرد این مدل، پژوهش‌های بیشتری لازم است. به نظر می‌رسد یکی از کاربردهای این مدل می‌تواند تبیین

- 
1. emotionality
  2. Perugini, Gnisci & Sergi
  3. Honesty-Humility
  4. unpretentiousness
  5. reciprocal altruism
  6. Trivers
  7. kin altruism
  8. Hamilton
  9. Gallucci, Presaghi & Ercolani

اختلالات شخصیت باشد. در دیدگاه ابعادی اختلالات شخصیت، فرض بر این است که طبقه‌های تشخیصی، واریانس‌های غیرانطباقی صفات و ویژگی‌های شخصیتی بهنجار هستند و مدل‌های ابعادی می‌توانند به صورت مناسبی اختلالات توصیف شده در طبقه بندی‌های تشخیصی را تبیین کنند (ساموئل و ویدیگر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). با این حال محدود پژوهش‌هایی به بررسی رابطه عوامل شخصیتی هگزاگو با اختلالات شخصیت اقدام کرده‌اند. از بین چندین پژوهش انجام شده نیز، یک پژوهش رابطه عوامل شخصیت هگزاگو را با اسکیزوتیپی (اشتون و لی، ۲۰۱۲) و دیگری با اختلال شخصیت وسواسی-جبری (ساموئل و ویدیگر، ۲۰۱۱) بررسی کرده و فقط دو مطالعه به بررسی رابطه عوامل شخصیتی بهنجار هگزاگو با اختلالات شخصیت خوشه B اقدام کرده‌اند. در یکی از این مطالعات فوساتی، پینکوس، بارونی، مونتانو و مافی<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) رابطه عوامل هگزاگو را با خودشیفتگی و پسیکوپاتی بررسی کرده‌اند که نتایج آن‌ها نشان داده‌است که دلپذیر بودن و صداقت-فروتنی پایین با خودشیفتگی و پسیکوپاتی همبسته هستند، اما با وجدان بودن فقط با پسیکوپاتی همبستگی دارد. همچنین هپ، هیلینگ، موشاگن، زتلر، اسکماهل و نیدتفلد<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) رابطه دو عامل شخصیتی هگزاگو (دلپذیر بودن و صداقت-فروتنی) را با اختلال شخصیت مرزی بررسی و گزارش کرده‌اند که از بین این دو عامل، فقط دلپذیری پایین با این اختلال مرتبط است. با توجه به فقدان مطالعات در زمینه نقش عوامل شخصیتی بهنجار در اختلالات شخصیت، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه عوامل شخصیتی هگزاگو با اختلالات شخصیت خوشه B است.

## روش

طرح پژوهش مطالعه حاضر از نوع همبستگی با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری است. مدل‌یابی معادلات ساختاری انواع مختلفی دارد که در مطالعه حاضر از روش «کم‌ترین مجذورات جزئی<sup>۴</sup>» برای آزمون مدل اندازه‌گیری و روابط ساختاری استفاده شده است. این روش به علت وابستگی کم‌تر به حجم نمونه، نرمال بودن توزیع باقیمانده‌ها و فاصله‌ای بودن

- 
1. Samuel & Widiger
  2. Fossati, Pincus, Munteanu & Maffei
  3. Hepp, Hilbig, Moshagen, Zettler & Schmahl
  4. Partial Least Squares

مقیاس اندازه‌گیری‌ها به عنوان روش نیرومند مدل‌یابی معادلات ساختاری شناخته می‌شود (چین، مارکولین و نیوستد<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶؛ به نقل از سیدعباس‌زاده، امانی ساری بگلو، خضری آذر و پاشوی، ۱۳۹۱). برخلاف معادلات ساختاری مبتنی بر کواریانس که میزان برازش مدل مفروض را ارزیابی کرده و هدف آن تأیید نظریه است، این روش، بیشتر مبتنی بر پیش‌بینی بوده و به نظریه نیرومند نیاز نداشته و کاربرد آن بیش‌تر در ساخت نظریه است (وینزی، چین، هنسeler و ننگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰).

روش مدل معادلات ساختاری به شیوه کم‌ترین مجذورات جزئی در دو مرحله به آزمون مدل اقدام می‌کند. نخست مدل اندازه‌گیری که اعتبار و روایی اندازه‌گیری‌ها و سازه‌ها بررسی می‌کند و سپس مدل ساختاری فرضیه‌ها و روابط متغیرهای مکنون را آزمون می‌کند (چین<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸). در این مطالعه، برای بررسی اعتبار مدل اندازه‌گیری از شاخص‌های اعتبار گویه، اعتبار ترکیبی<sup>۴</sup> (ρC) و میانگین واریانس استخراج شده<sup>۵</sup> (AVE) و برای بررسی روایی و اگر از معیار فرنل و لارکر و شاخص اشتراک استفاده شد. برای بررسی مدل ساختاری نیز از ضرایب مسیر، R<sup>2</sup> متغیرهای مکنون درونزا و ضریب Q<sup>2</sup> استون-گیسر<sup>۶</sup> استفاده شد.

جامعه پژوهش حاضر دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه تبریز بودند. حجم نمونه مطالعه حاضر، با توجه به طرح پژوهش ۱۰۰ نفر انتخاب شده بود که ۵۰ نفر از آن‌ها دختر (با میانگین سنی ۲۱/۵۴ و انحراف استاندارد ۱/۵۶) و ۵۰ نفر پسر (با میانگین سنی ۲۴/۸۴ و انحراف استاندارد ۱/۳۱) بودند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بود و سه دانشکده از طریق قرعه‌کشی از بین دانشکده‌های دانشگاه تبریز انتخاب شدند که عبارت بودند از علوم انسانی، دانشکده شیمی و دانشکده مکانیک و سپس در هر دانشکده، چهار کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و در هر کلاس پرسشنامه‌ها در اختیار ۱۰ دانشجو (۵ دختر و ۵ پسر) قرار گرفت. قبل از تکمیل پرسشنامه‌ها هدف کلی پژوهش به آن‌ها توضیح داده شد و پس از کسب رضایت،

- 
1. Marcolin & Newsted
  2. Vinzi, Chin, Henseler & Wang
  3. Chin
  4. Composite Reliability
  5. Average Variance Extracted
  6. Stone-Geisser

پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. از ۱۲۰ پرسشنامه توزیع شده بین آزمودنی‌ها، ۱۰۰ نفر پرسشنامه‌ها را به صورت کامل تکمیل کرده و عودت دادند. پرسشنامه‌های مطالعه شامل موارد زیر بودند.

۱. پرسشنامه بالینی چند محوری میلون-۳ (MCMI-III)<sup>۱</sup>: این پرسشنامه یک مقیاس خودسنجی با ۱۷۵ گویه بله/خیر است که ۱۴ الگوی بالینی شخصیت و ۱۰ نشانگان بالینی را ارزیابی می‌کند. این ابزار، پر کاربردترین آزمون روانی است که به چندین زبان ترجمه شده و در تحقیقات بین فرهنگی متعددی از آن استفاده شده است. این پرسشنامه در ایران، دوبار هنجاریابی شده است که خواجه موگهی (۱۳۷۲) نسخه دوم و شریفی (۱۳۸۵) نسخه سوم آن را هنجاریابی کرده است. در مورد پایایی ام. سی. ام. آی. ۳، پنج مجموعه داده وجود دارد که فاصله بازآزمایی در این مطالعات از پنج روز تا شش ماه بوده و برای مقیاس‌های اختلال‌های شخصیت همبستگی‌های متوسطی از ۰/۵۸ تا ۰/۹۳ با میانگین ۰/۷۸ به دست آمده است. درباره مقیاس‌های نشانگان بالینی همبستگی متوسطی از دامنه ۰/۴۴ تا ۰/۹۵ با میانگین ۰/۸۰ به دست آمده است (کریک، ۱۹۹۹؛ به نقل از شریفی، مولوی و نامداری، ۱۳۸۶). همچنین شریفی و همکاران (۱۳۸۶) روایی تشخیصی این ابزار را بسیار مناسب گزارش کرده‌اند.

۲. پرسشنامه فرم کوتاه شخصیتی هگزاکو- تجدیدنظر شده (HEXACO-PI-R): این پرسشنامه که شش عامل شخصیتی صداقت- فروتنی، هیجان‌پذیری، برون‌گرایی، دلبذیربودن، وظیفه‌شناسی و گشودگی به تجربه را می‌سنجد، شامل ۱۰۰ گویه است که در مقیاس پنج درجه ای لیکرت (۱=کاملاً مخالف، ۲=مخالف، ۳=نظری ندارم، ۴=موافقم، ۵=کاملاً موافقم) نمره گذاری می‌شود که برخی گویه‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. این ابزار را لی و اشتون (۲۰۰۴) تدوین کرده‌اند و اعتبار و پایایی آن در مطالعات مربوط به زبان و فرهنگ‌های مختلف تأیید شده است. در ایران نیز پالاهنگ، نشاط‌دوست و مولوی (۱۳۸۸) ساختار عاملی این ابزار را به روش تحلیل عاملی اکتشافی بررسی کرده و به همان شش عامل اصلی سازندگان ابزار دست‌یافته و نشان داده است که همه عامل‌ها دارای اعتبار بالایی بوده و همچنین از پایایی مطلوبی بهره‌مند هستند.

## یافته‌ها

**مدل اندازه‌گیری:** همانند روش معادلات ساختاری مبتنی بر کواریانس، روش کم‌ترین مجذورات جزئی متشکل از مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری است. در بخش آزمون مدل اندازه‌گیری از شاخص‌های اعتبار و روایی، برای بررسی اعتبار نشانگرها و متغیرهای مکنون استفاده شده است که نتایج آن در جداول ۱ و ۲ درج شده است.

در جدول ۱، بارهای عاملی نشانگرها، اعتبار ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده متغیرهای مکنون عامل‌های هگزاکو آمده است. با توجه به اینکه بار عاملی ۰/۷۰ و بالاتر نشانگرها در تحلیل عاملی تأییدی حاکی از اعتبار آن نشانگر است؛ بنابراین، نشانگرهایی که بار عاملی کم‌تری داشتند از مدل حذف شدند؛ این نشانگرها شامل مؤلفه دوم دلپذیر بودن، مؤلفه سوم باوجدان بودن و صداقت- فروتنی و مؤلفه اول گشودگی به تجربه بود. پایین بودن بار عاملی این نشانگرها، چنانچه عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) ذکر کرده‌اند، احتمالاً ناشی از ترجمه مستقیم پرسشنامه بدون توجه به بافت فرهنگی جامعه است. بارهای عاملی حدود ۰/۷۰ و بالاتر، حاکی از اعتبار مناسب نشانگرهای شخصیتی است. در زمینه اعتبار ترکیبی هر یک از سازه‌های مکنون که از ضریب دیلون-گلدشتاین (Cp) بدین منظور استفاده شده است، نونالی و برنشتاین (۱۹۹۶)؛ به نقل از اژه‌ای، امانی ساری بگلو، خضری آذر و غلامی، (۱۳۹۱) مقادیر ۰/۷۰ و بالاتر این شاخص را مطلوب ذکر کرده‌اند، که مطابق جدول ۱، همه شش عامل شخصیتی از این نظر مقبول هستند. شاخص دیگر، میانگین واریانس استخراج شده است که فرنل و لارکر (۱۹۸۱)؛ به نقل از سیدعباس‌زاده و همکاران، (۱۳۹۱) مقادیر ۰/۵۰ و بالاتر را توصیه کرده‌اند که به معنای این است که آن سازه، ۵۰٪ واریانس نشانگرهای خود را تبیین می‌کند؛ مطابق جدول فوق میانگین واریانس استخراج شده مؤلفه‌های شخصیتی در سطح مطلوب قرار دارد.

جدول ۱: شاخص‌های اعتبار عامل‌های پرسشنامه هگزاکو

بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی	بار عاملی
۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۶۸	۰/۸۳	۰/۷۰	۰/۸۷	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۸۱
۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۷۲	۰/۶۹	۰/۶۷	۰/۸۸	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۹
۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۸۹	۰/۹۸	۰/۸۷	۰/۸۲	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۸۱
			۰/۷۵	۰/۸۸						
		۰/۸۰	۰/۹۲	۰/۷۱	۰/۸۳	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۸۴
۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۷۰	۰/۷۴	۰/۶۲	۰/۶۹	۰/۷۱	۰/۷۱	۰/۷۱	۰/۷۱	۰/۷۱

همه بارهای عاملی در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند.

بارهای عاملی نشانگرها، اعتبار ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده متغیرهای مکنون اختلالات شخصیت خوشه B در جدول ۲ نشان داده شده است. در زمینه نشانگرهای اختلالات شخصیت نیز با توجه به اینکه بار عاملی برخی از نشانگرها پایین‌تر از ۰/۷۰ بوده و معنادار نبودند، از تحلیل حذف شدند و فقط نشانگرهای دارای بار عاملی مناسب و معنادار در این جدول نشان داده شده‌اند. بنابراین، از بین ۱۷ نشانگر اختلال شخصیت نمایشی، ۱۱ نشانگر؛ از بین ۲۴ نشانگر اختلال شخصیت خودشیفته، ۱۵ نشانگر؛ از بین ۱۶ نشانگر اختلال شخصیت مرزی، ۱۲ نشانگر و از بین ۱۶ نشانگر اختلال شخصیت ضداجتماعی، ۹ نشانگر باقیمانده و بقیه حذف شدند. بدین ترتیب نه تنها بارهای عاملی پایین حذف شدند، بلکه این امر موجب افزایش دیگر شاخص‌ها، از جمله اعتبار ترکیبی و روایی واگرا شد، که در غیر این صورت از مقادیر توصیه شده پایین‌تر بودند. از جمله دلایل پایین بودن این شاخص، قبل از حذف برخی نشانگرها، می‌توان به چندبعدی بودن سازه‌ها و وجود گویه‌های مشابه در سنجش اختلالات متفاوت اشاره کرد. همچنین مطابق جدول ۲، ضریب دیلون-گلدشتاین (Cp) هر ۴ اختلال شخصیت خوشه B، بالاتر از ۰/۷۰ و بنابراین مطلوب است. در نهایت، میانگین واریانس استخراج شده هر یک از اختلالات بالاتر ۰/۵۰ است که نشان می‌دهد سازه مورد نظر، میزان قابل قبولی از واریانس نشانگرهای خود را تبیین می‌کند.



جدول ۲: شاخص‌های اعتبار اختلالات شخصیت خوشه B

بار عاملی	نشانه‌گر	بار عاملی	نشانه‌گر	بار عاملی	نشانه‌گر	بار عاملی	نشانه‌گر
۰/۷۵	ضداجتماعی ۱	۰/۸۸	مرزی ۱	۰/۷۸	خودشیفته ۱	۰/۶۷	نمایشی ۱
۰/۵۹	ضداجتماعی ۲	۰/۸۴	مرزی ۲	۰/۷۱	خودشیفته ۳	۰/۶۱	نمایشی ۲
۰/۶۳	ضداجتماعی ۳	۰/۷۹	مرزی ۳	۰/۷۴	خودشیفته ۴	۰/۷۲	نمایشی ۴
۰/۷۰	ضداجتماعی ۵	۰/۶۷	مرزی ۴	۰/۷۹	خودشیفته ۵	۰/۸۱	نمایشی ۶
۰/۸۱	ضداجتماعی ۷	۰/۶۹	مرزی ۵	۰/۹۱	خودشیفته ۸	۰/۷۳	نمایشی ۷
۰/۶۹	ضداجتماعی ۸	۰/۷۵	مرزی ۶	۰/۷۱	خودشیفته ۱۰	۰/۶۹	نمایشی ۹
۰/۷۱	ضداجتماعی ۱۱	۰/۸۷	مرزی ۹	۰/۷۸	خودشیفته ۱۳	۰/۷۰	نمایشی ۱۲
۰/۶۸	ضداجتماعی ۱۲	۰/۷۸	مرزی ۱۰	۰/۶۹	خودشیفته ۱۴	۰/۷۶	نمایشی ۱۳
۰/۷۰	ضداجتماعی ۱۵	۰/۷۵	مرزی ۱۱	۰/۶۸	خودشیفته ۱۵	۰/۷۵	نمایشی ۱۵
		۰/۷۹	مرزی ۱۴	۰/۷۰	خودشیفته ۱۶	۰/۷۴	نمایشی ۱۶
		۰/۹۰	مرزی ۱۵	۰/۷۴	خودشیفته ۱۸	۰/۶۸	نمایشی ۱۷
		۰/۹۲	مرزی ۱۶	۰/۷۶	خودشیفته ۲۰		
				۰/۷۳	خودشیفته ۲۱		
				۰/۸۱	خودشیفته ۲۳		
				۰/۷۵	خودشیفته ۲۴		
۰/۸۷		۰/۹۰		۰/۹۲		۰/۸۸	$\rho_c$
۰/۵۶		۰/۷۰		۰/۶۶		۰/۶۲	AVE

همه بارهای عاملی در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند.

شاخص روایی واگرا و اشتراک سازه‌ها در جدول ۳ نشان داده شده است. با توجه به پیشنهاد اسریت (۲۰۰۰؛ به نقل از اژه‌ای و همکاران، ۱۳۹۱) مبنی بر اینکه جذر AVE یک سازه، بایستی بیشتر از همبستگی آن سازه با دیگر سازه‌ها باشد، مطابق جدول ۳، سازه‌های مطالعه حاضر از روایی واگرای مطلوبی بهره‌مند هستند. شاخص اشتراک، که شاخص برازش بلوک یا سازه مکنون است، نیز در این جدول نشان داده شده است، که مقادیر مثبت آن حاکی از برازش هر یک از بلوک‌ها است. مطابق این ماتریس، اختلالات شخصیت با یکدیگر رابطه مثبت متوسطی دارند. یافته‌های این جدول نشان می‌دهند که دلپذیر بودن، باوجدان بودن، هیجان‌پذیری و صداقت-فروتنی با اختلال شخصیت ضداجتماعی همبستگی منفی معنادار دارد؛ دلپذیر بودن با اختلال شخصیت مرزی همبستگی منفی و هیجان‌پذیری و گشودگی به تجربه با این اختلال همبستگی مثبت معنادار دارد؛ برون‌گرایی و گشودگی به تجربه با اختلال

شخصیت نمایشی همبستگی مثبت معنادار دارد؛ و هیجان‌پذیری و صداقت- فروتنی با اختلال شخصیت خودشیفته همبستگی منفی و برون‌گرایی و گشودگی به تجربه با این اختلال همبستگی مثبت معنادار دارد.

جدول ۳: شاخص‌های روانی متغیرهای پژوهش

	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱. دلپذیر بودن										۰/۸۴	
۲. با وجدان بودن									۰/۸۳	۰/۲۲	
۳. هیجان‌پذیری								۰/۷۸	-۰/۰۱	-۰/۱۱	
۴. برون‌گرایی						۰/۸۶	۰/۳۴*	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۰۹	
۵. صداقت-فروتنی					۰/۸۳	-۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۲۴*	۰/۱۰	۰/۱۰	
۶. گشودگی به تجربه				۰/۸۰	۰/۱۲	۰/۲۳	۰/۲۱	۰/۱۴	-۰/۰۸	-۰/۰۸	
۷. ضد اجتماعی			۰/۸۴	۰/۰۷	-۰/۴۳**	۰/۱۶	-۰/۴۵**	-۰/۲۵*	-۰/۵۹**	-۰/۵۹**	
۸. مرزی		۰/۸۳	۰/۵۷**	۰/۲۷*	-۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۴۱**	-۰/۰۹	-۰/۳۶*	-۰/۳۶*	
۹. نمایشی	۰/۷۸	۰/۶۲**	۰/۴۰**	۰/۳۰*	-۰/۱۱	۰/۴۴**	۰/۱۶	-۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۵	
۱۰. خودشیفته	۰/۸۱	۰/۴۹**	۰/۵۱**	۰/۴۷**	۰/۲۱*	-۰/۳۱*	۰/۲۶*	-۰/۳۴**	-۰/۲۰	-۰/۱۸	
شاخص اشتراک	۰/۲۳	۰/۲۵	۰/۳۵	۰/۳۳	۰/۴۰	۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۱۳	۰/۱۴	۰/۲۶	

جزر میانگین واریانس استخراج شده در خط قطری و همبستگی سازه‌ها در ستون‌ها و سطرها قرار دارد.

**مدل ساختاری:** برای آزمون مدل ساختاری، از ضرایب مسیر، واریانس تبیین شده متغیرهای مکنون درون‌زا و ضریب Q2 گیسر- استون استفاده شده است که در جدول ۴ نشان داده شده‌اند.

جدول ۴ ضرایب تأثیر متغیرهای مکنون برون‌زا بر مکنون درون‌زا را نشان می‌دهد. برای بررسی معناداری ضرایب از روش بوت استراپ و برای ضریب Q2، بررسی کیفیت ساختاری، از روش چشم‌بندان استفاده شد. مطابق این جدول دلپذیربودن، هیجان‌پذیری و صداقت- فروتنی اثر معناداری بر اختلال شخصیت ضداجتماعی دارد و ۶۵٪ واریانس آن را تبیین می‌کند؛ دلپذیر بودن و هیجان‌پذیری اثر معناداری بر اختلال شخصیت مرزی دارد و ۵۹٪ واریانس آن را تبیین می‌کند؛ برون‌گرایی و گشودگی به تجربه، اثر معناداری بر اختلال شخصیت نمایشی دارد و ۴۶٪ واریانس آن را تبیین می‌کند؛ و نهایتاً هیجان‌پذیری، برون‌گرایی

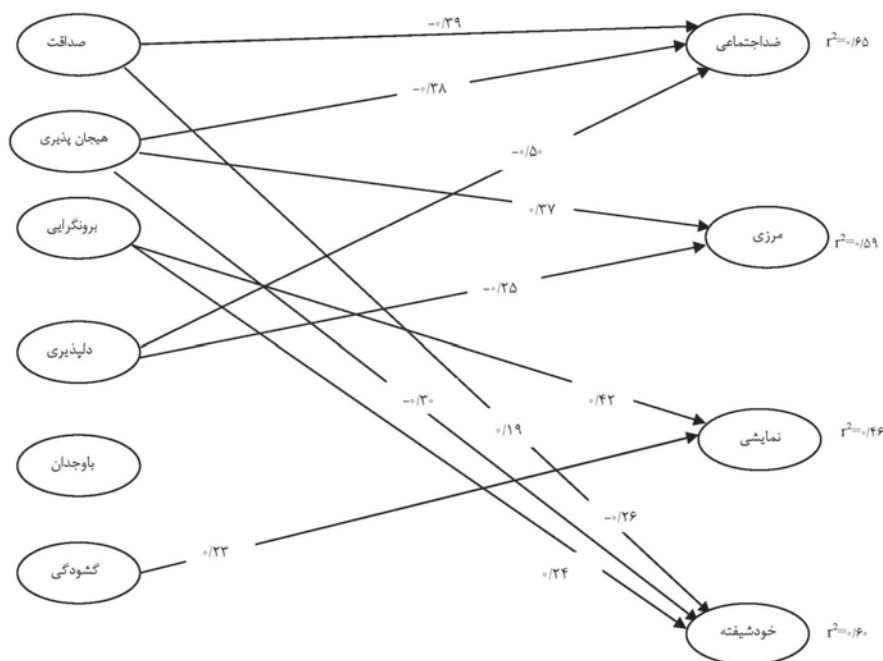
مطالعه مقدماتی روابط ساختاری عامل‌های شخصیتی هگزاگو با اختلالات شخصیت خوشه B ..... ۳۷

و صداقت- فروتنی اثر معناداری بر اختلال شخصیت خودشیفته دارد و ۶۰٪ واریانس آن را تبیین می‌کند. همچنین ضریب Q2 مثبت، نشان می‌دهد که مدل مورد مطالعه، توانایی پیش‌بینی نشانگرهای متغیرهای مکنون درون‌زا را دارد. شکل ۱ ضرایب مسیر و میزان واریانس تبیین‌شده هریک از اختلالات را نشان می‌دهد.

جدول ۴: ضرایب مسیر،  $r^2$  و ضریب  $Q^2$  اختلالات شخصیت خوشه B

Q <sup>2</sup>	r square	گشودگی به تجربه	صداقت- فروتنی	برون‌گرایی	هیجان پذیری	باوجدان بودن	دلپذیر بودن	
۰/۱۹	۰/۶۵	۰/۰۶	-۰/۳۹**	۰/۱۷	-۰/۳۸**	-۰/۱۷	-۰/۵۰**	ضداجتماعی
۰/۲۰	۰/۵۹	۰/۱۹	-۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۳۷**	-۰/۰۷	-۰/۲۵*	مرزی
۰/۱۳	۰/۴۶	۰/۲۳*	۰/۰۸	۰/۴۲**	۰/۱۷	-۰/۰۵	۰/۰۴	نمایشی
۰/۱۴	۰/۶۰	۰/۱۶	-۰/۲۶*	۰/۲۴*	-۰/۳۰**	-۰/۱۴	-۰/۱۵	خودشیفته

$p < ۰/۰۱$  \*\*;  $p < ۰/۰۵$  \*



شکل ۱: ضرایب مسیر معنادار و  $r^2$  هر یک از اختلالات شخصیت

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر بررسی روابط ساختاری عامل‌های شخصیتی هگزاکو با اختلالات شخصیت خوشه B بود. بدین‌منظور از روش معادلات ساختاری کم‌ترین مربعات جزئی استفاده شد. شاخص‌های مدل اندازه‌گیری مربوط به عوامل شخصیتی هگزاکو و اختلالات خوشه B نشان دادند که پس از حذف برخی نشانگرها، اعتبار و روایی این عوامل معنادار و مقبول است. فقدان اعتبار و روایی برخی نشانگرهای عامل‌های شخصیتی هگزاکو که حذف شدند، چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، می‌تواند ناشی از ترجمه مستقیم پرسشنامه، بدون توجه به بافت فرهنگی جامعه باشد. در حالی که در مطالعات پیشین مربوط به تحلیل عاملی هگزاکو (مثل اشتون و همکاران، ۲۰۰۴؛ اشتون و همکاران، ۲۰۰۵؛ اشتون و همکاران، ۲۰۰۶) نخستین مرحله شامل مطالعه واژگانی است که طی آن مجموعه صفاتی تحلیل می‌شوند که در آن بافت فرهنگی، معرف قلمرو شخصیت هستند؛ اما نسخه فارسی پرسشنامه هگزاکو مستقیماً از زبان انگلیسی ترجمه شده و استفاده از راهبرد واژگانی رعایت نشده است. همچنین علت اعتبار و روایی پایین برخی نشانگرهای اختلالات شخصیت، که از مدل حذف شدند، می‌تواند ناشی از چند بعدی بودن و مشابهت‌های گویه‌های پرسشنامه میلون باشد؛ یعنی احتمالاً هر یک از اختلالات شخصیت از عامل‌های مختلفی تشکیل شده‌اند و بنابراین، هر اختلال سازه‌ای چند بعدی است، در حالی که این ابعاد در پرسشنامه میلون مد نظر قرار نگرفته‌اند. علاوه بر این، به دلیل وجود همپوشی نشانه‌های اختلالات شخصیت خوشه B، در پرسشنامه میلون گویه‌های وجود دارد که بین اختلالات مشترک است و به دیگر سخن فقط روی یک سازه مکنون بار نمی‌گیرد، در حالی که شاخص‌های بررسی اعتبار و روایی در PLS درصدد کاهش این موارد مشترک هستند.

در زمینه روابط ساختاری عامل‌های شخصیتی هگزاکو با اختلالات شخصیت، یافته‌ها نشان دادند که سه عامل دلپذیربودن، هیجان‌پذیری و صداقت-فروتنی نقش معناداری در اختلال شخصیت ضداجتماعی دارند. منفی بودن همبستگی و ضریب اثر بدین معناست که افرادی که نمرات بالایی در ضداجتماعی کسب کرده‌اند، نمرات پایینی در این سه عامل شخصیتی به دست آورده‌اند. گرچه نقش عوامل شخصیتی بهنجار هگزاکو در اختلال شخصیت ضداجتماعی

به صورت مستقیم بررسی نشده است، اما در زمینه رابطه عوامل شخصیتی بهنجار با رفتارهای جامعه‌ستیزانه چندین مطالعه انجام شده است که یافته‌های مطالعه حاضر تا حدودی با آن‌ها همسو است. لی، اشتون و شین (۲۰۰۵)، لی، اشتون و دوریس (۲۰۰۵)، اشتون، لی و سون (۲۰۰۰) و لی و اشتون (۲۰۰۵) گزارش کرده‌اند که صداقت- فروتنی با رفتارهای جامعه‌ستیزانه، بزهکاری و رفتارهای ماکیاولیستی، جامعه‌ستیزی اولیه و زرنگی اجتماعی<sup>۱</sup> به صورت منفی همبسته بوده و به تبیین معنادار میزانی از واریانس این متغیرها قادر است. علاوه بر این، یافته‌های مطالعه حاضر نشان دادند که علاوه بر عامل صداقت- فروتنی، دو عامل هیجان‌پذیری و دلپذیربودن نیز در اختلال شخصیت ضداجتماعی نقش معناداری دارند که چنین یافته‌ای همسو با مطالعه فوساتی و همکاران (۲۰۱۴) و دوریس، لی و اشتون (۲۰۰۸) است. مطالعه نخست علاوه بر صداقت- فروتنی نقش دلپذیری و باوجدان بودن و مطالعه دوم نقش هیجان‌پذیری، باوجدان بودن و دلپذیربودن در جامعه‌ستیزی را گزارش کرده‌اند، گرچه مطالعه دوم نشان داده است که فقط صداقت- فروتنی و هیجان‌پذیری پیش‌بین نیرومند جامعه‌ستیزی هستند. پایین بودن نمرات صداقت- فروتنی، هیجان‌پذیری و دلپذیری در اختلال شخصیت ضداجتماعی از بعد نظری مرتبط با دو بعد سازه تکاملی نوع‌دوستی متقابل و نوع‌دوستی خویشاوندان است. چنانچه اشتون و لی (۲۰۰۷) اشاره کرده‌اند این سه عامل، صفات شخصیتی را بازنمایی می‌کنند که رفتارهای اجتماع‌پسند در مقابل رفتارهای ضداجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، یعنی این صفات از تجلی اعمال اجتماع‌پسند و بازداری اعمال ضداجتماعی حمایت می‌کنند. صداقت- فروتنی و دلپذیربودن دو جنبه مکمل نوع‌دوستی متقابل هستند، که نمرات پایین افراد ضداجتماعی در آن‌ها به ترتیب تلاش برای استثمار دیگران (انصاف پایین) و عدم همکاری در هنگام استثمار شدن توسط دیگران و تلاش برای تلافی‌جویی (بخشش پایین) را نشان می‌دهد. همچنین نمرات پایین در هیجان‌پذیری نشان می‌دهد که علاوه بر اینکه آن‌ها نگرانی‌های همدلانه و دلبستگی عاطفی چندانی نشان نمی‌دهند، بلکه رفتارهای اجتناب از آسیب و استمداد طلبی آن‌ها نیز ضعیف است.

در زمینه اختلال مرزی یافته‌ها نشان دادند که دلپذیر بودن اثر منفی و هیجان‌پذیری اثر

مثبتی بر این اختلال دارند. یافته‌های مربوط به اختلال مرزی با تنها مطالعه انجام شده در این زمینه همسو است. هپ و همکاران (۲۰۱۴) رابطه دو عامل شخصیتی بهنجار صداقت-فروتنی و دلبذب بودن را با نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی بررسی و گزارش کرده‌اند که از بین دو عامل، فقط دلبذب‌پزیری پایین در این اختلال نقش دارد. چنانچه هپ و همکاران (۲۰۱۴) نیز اشاره کرده‌اند، نمرات پایین افراد مبتلا به شخصیت مرزی در دلبذب بودن همسو با تفسیرهای نظری اشتون و لی (۲۰۰۷) است که نشانه بخشش پایین، خشم و تلاش برای تلافی‌جویی است؛ اما نمرات بالا در هیجان‌پذیری شاید به دلیل وجود نگرانی‌های همدلانه و وابستگی به دیگران و رفتارهای استمدادطلبی آن‌ها باشد، که جزو نشانه‌های این اختلال به شمار می‌رود.

یافته دیگر اینکه برون‌گرایی و گشودگی به تجربه بر اختلال شخصیت نمایشی تأثیر مثبت معناداری دارد که در این زمینه تاکنون مطالعه‌ای انجام نشده است. از دید نظری، اختلال شخصیت نمایشی، با توجه به نمرات بالای آن‌ها در برون‌گرایی و گشودگی به تجربه، بیشتر با بخش دوم نظری مدل هگزاکو مرتبط است. لی و اشتون (۲۰۰۷) برون‌گرایی را بر حسب مفهوم قدرت حفظ توجه اجتماعی گیلبرت (۱۹۹۵) تفسیر کرده‌اند. گیلبرت (۱۹۹۵) دو سیستم رقابت اجتماعی معرفی کرده است که در سیستم حفظ توجه اجتماعی، بر خلاف دیگری، فرد به جای ارباب و تهدید دیگران، از طریق نمایشگری جذابیت‌های خویش، دیگران را به سمت خود جلب کنند؛ این مفهوم که در مدل هگزاکو، زیربنای برون‌گرایی در نظر گرفته شده است با ملاک‌های تشخیصی این اختلال نیز همخوانی دارد، زیرا مطابق ملاک‌های تشخیصی راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-IV)، انجمن روان‌پزشکی آمریکا، (۲۰۰۱) رفتارهای توجه‌طلبی افراطی از نشانه‌های بارز این اختلال است. بالا بودن گشودگی به تجربه نیز مطابق با مفهوم کامدا و ناکاشی (۲۰۰۲) نشانه تلاش برای یادگیری فردی و نه تقلید این افراد است؛ یعنی این افراد دارای سطوح بالای یادگیری فردی بوده و بیشتر درصدد این هستند که رهبر باشند و نه پیرو. چنین مفهومی منطبق با ویژگی‌های بالینی افراد نمایشی است، زیرا آن‌ها تلاش می‌کنند دیگران را در خود جذب کنند.

و نهایتاً آخرین یافته مطالعه حاضر این بود که هیجان‌پذیری، برون‌گرایی و صداقت-فروتنی بر اختلال شخصیت خودشیفته اثر معناداری دارند که با بخشی از یافته‌های فوساتی و همکاران (۲۰۱۴) و لی و اشتون (۲۰۰۵) همسو است. مطالعه نخست از بین عوامل شخصیتی

هگزاگو نقش صداقت- فروتنی و دلپذیری پایین و مطالعه دوم نقش صداقت-فروتنی در خودشیفتگی را گزارش کرده‌اند. این در حالی است که در پژوهش حاضر دلپذیربودن نقش معناداری نداشت و به جای آن دو عامل هیجان‌پذیری پایین و برون‌گرایی بالا نقش داشتند. علاوه بر مطالعات فوق، برخی مطالعات رابطه متغیرهای مشابه خودشیفتگی با عوامل شخصیتی را مطالعه کرده‌اند که یکی از آن‌ها خودخواهی<sup>۱</sup> است. از آنجایی که خودخواهی یکی از ویژگی‌های بارز اختلال شخصیت خودشیفته است و چنانچه دوریس، دوریس، هوگ و فیچ (۲۰۰۹) اظهار کرده‌اند، افراد خودخواه به خودشان بیشتر توجه کرده و به حقوق دیگران اهمیت نمی‌دهند. بنابراین، در اینجا به چنین مطالعاتی استناد می‌شود؛ مطالعات نشان داده‌اند که خودخواهی با برون‌گرایی و صداقت- فروتنی رابطه منفی (لی، اوگونفورا و اشتون، ۲۰۰۵) دارد. همچنین عامل‌های هیجان‌پذیری، برون‌گرایی، دلپذیر بودن و صداقت- فروتنی به صورت معناداری با خودخواهی مرتبط بوده و توانایی تبیین واریانس خودخواهی را دارد (دوریس، دوریس، هوگ و فیچ، ۲۰۰۹). نکته مهم اینکه در مطالعه مذکور، دو ابزار متفاوت (SPI و DPQ) برای سنجش خودخواهی استفاده شده بود و بنابراین، رابطه عامل‌های شخصیت برون‌گرایی و دلپذیر بودن و گشودگی به تجربه با دو نوع خودخواهی متفاوت بود؛ بدین صورت که دلپذیربودن با SPI<sup>۲</sup> رابطه معنادار نداشت، اما برون‌گرایی و گشودگی به تجربه با این مقیاس رابطه مثبتی نشان دادند، و برعکس دلپذیر بودن و برون‌گرایی با DPQ (خرده مقیاس خودخواهی پرسشنامه شخصیتی هلند<sup>۳</sup>) رابطه منفی معنادار داشتند. از آنجایی که در مطالعه حاضر صداقت- فروتنی و هیجان‌پذیری اثر منفی و برون‌گرایی اثر مثبتی بر خودشیفتگی دارند؛ بنابراین، یافته‌های مطالعه حاضر همسو با مورد اول است، به استثنای اینکه در مطالعه حاضر عامل گشودگی به تجربه، نقشی در خودشیفتگی نداشت. دوریس و همکاران (۲۰۰۹) اظهار کرده‌اند که به نظر می‌رسد دو نوع خودخواهی وجود دارد و خودخواهی که به واسطه SPI سنجیده می‌شود، نوع ابرازی است که تا حدودی مشابه خودشیفتگی است، اما خودخواهی که توسط DPQ سنجیده می‌شود خودخواهی درون‌گرایانه یا بسته را شامل

- 
1. Egoitism
  2. supernumerary
  3. Dutch Personality Questionnaire

می‌شود. به نظر می‌رسد اختلال شخصیت خودشیفته از بعد نظری مرکب از بخش اول و دوم مدل هگزاگو باشد، زیرا هم شامل دو عامل صداقت- فروتنی و هیجان‌پذیری، که بخش نخست این مدل را شکل می‌دهند و هم شامل برون‌گرایی، بخش دوم این مدل را در بر می‌گیرد. مطابق این مدل، افراد خودشیفته در زمینه انصاف و نگرانی‌های همدلانه مشابه افراد ضداجتماعی و در زمینه حفظ توجه اجتماعی مشابه افراد نمایشی هستند.

با وجود مزیت‌هایی، مطالعه حاضر محدودیت‌هایی داشت و از جمله آن‌ها اینکه مطالعه حاضر بر روی دانشجویان افراد غیربیمار انجام شده بود، لذا احتمال دارد روابط به دست آمده درباره افراد مبتلا به اختلالات شخصیت خوشه B صدق نکند، بنابراین، پیشنهاد می‌شود، روابط عامل‌های شخصیتی با اختلالات در افراد مبتلا نیز بررسی شود.

### **تشکر و قدردانی**

بدین‌وسیله از همه دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش قدردانی می‌شود.



## منابع

- اژه‌ای، جواد، امانی ساری‌بگلو، جواد، خضری آذر، هیمن و غلامی، محمدتقی (۱۳۹۱). نقش واسطه‌ای باورهای شناختی در ارتباط بین عوامل فردی و سازمانی با پذیرش فناوری اطلاعات. *مجله علوم رفتاری*، ۶ (۱)، ۱۱-۱.
- پالاهنگ، حسن، نشاط دوست، حمید طاهر و مولوی، حسین (۱۳۸۸). *هنجاریابی پرسشنامه شخصیت HEXACO-PI-R در دانشجویان ایرانی. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۴ (۱۶)، ۴۸-۶۶.
- سیدعباس زاده، میرمحمد، امانی ساری بگلو، جواد، خضری آذر، هیمن، پاشوی، قاسم (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش PLS و کاربرد آن در علوم رفتاری*. ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- شریفی، علی‌اکبر (۱۳۸۵). *راهنمای ام. سی. ام. آی (میلون-۳)*. ویرایش ابولفضل کرمی. تهران: روانسنجی.
- شریفی، علی‌اکبر، مولوی، حسین و نامداری، کوروش (۱۳۸۶). *روایی تشخیصی آزمون بالینی چندمحوری میلون-۳. دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، شماره ۳۴، ۳۸-۲۷.
- Ashton, M. C. & Lee, K. (2012). Oddity, schizotypy/dissociation, and personality. *Journal of Personality*, 80, 113-134.
- Ashton, M. C., Lee, K., De Vries, R. E., Perugini, M., Gnisci, A. & Sergi, I. (2006). The HEXACO model of personality structure and indigenous lexical personality dimensions in Italian, Dutch, and English. *Journal of Research in Personality*, 40, 851-875.
- Ashton, M. C., Lee, K., De Vries, R. E., Szarota, P., Marcus, B., Wasti, S. A. & et al. (2006). Lexical studies of personality structure: An examination of six-factor solutions. *Paper presented at the 13th European Conference on Personality, Athens, Greece*.
- Ashton, M. C., Lee, K. & Goldberg, L. R. (2004). A hierarchical analysis of 1710 English personality-descriptive adjectives. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87, 707-721.
- Ashton, M. C., Lee, K., Perugini, M., Szarota, P., de Vries, R. E., Di Blas, L. & et al. (2004). A six-factor structure of personality-descriptive adjectives: Solutions from psycholexical studies in seven languages. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86, 356-366.
- Ashton, M.C. & Lee, K. (2001). A Theoretical Basis for Major Dimensions of Personality. *European Journal of Personality*, 15, 327-353.
- Ashton, M.C. & Lee, K. (2007). Empirical, Theoretical and Practical Advantages of

- the HEXACO Model of Personality Structure. *Personality and Social Psychology Review*, 11, 150-166.
- Ashton, M.C., Lee, K. & Son, C. (2000). Honesty as the sixth factor of personality: Correlations with Machiavellianism, primary psychopathy, and social adroitness. *European Journal of Personality*, 14, 359-368.
- Ashton, M.C., Lee, K., Visser, B.A. & Pozzebon, J.A. (2008). Phobic tendency within the Five-Factor and HEXACO models of personality structure. *Journal of Research in Personality*, 42, 734-746.
- Chin, W.W. (1998). Issues and opinion on structural equation modeling. *MIS Quarterly*, 22 (1), 7-16.
- Church, A. T., Reyes, J. A. S., Katigbak, M. S., & Grimm, S. D. (1997). Filipino personality and the Big Five model: A lexical approach. *Journal of Personality*, 65: 477-528.
- De Vries, R.E., De Vries, A.D., Hogh, A.D., & Feij, J. (2009). More than the big five: Egotism and the HEXACO model of personality. *European Journal of Personality*, 23, 635-654.
- De Vries, R.E., Lee, K., & Ashton, M.C. (2008). The Dutch HEXACO personality inventory: Psychometric properties, self-other agreement, and relations with psychopathy among low and high acquaintanceship dyads. *Journal of Personality Assessment*, 90, 142-151.
- Di Bals, L. & Forzi, M. (1999). Refining a descriptive structure of personality attributes in the Italian language. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76, 451-481.
- Ejei, J., Amani saribagloo, J., khezri azar H. & Gholami, M.T. (2012). The role of cognitive beliefs in relationship between individual and organizational factors with information. *Journal of Behavioral Sciences*, 6 (1), 1-11.
- Fossati, A., Pincus, A.L., Munteanu, A. F. & Maffei, C. (2014). Are pathological narcissism and psychopathy different names for the same thing? A study based on Italian nonclinical adult participants. *Journal of Personality Disorders*, 28 (3), 394-418.
- Gilbert, P., Price, J. & Allan, S. (1995). social comparison, social attractiveness and evolution: How might they be related? *New Ideas in Psychology*, 13 (2), 149-165.
- Hepp, J., Hilbig, B. E., Moshagen, M., Zettler, I., Schmahl, C. & Niedtfeld, I. (2014). Active versus reactive cooperativeness in Borderline Psychopathology: A dissection on the HEXACO model of personality. *Personality and Individual Differences*, 56, 19-23.
- Kameda, T., & Nakanishi, D. (2002). Cost-benefit analysis of social/cultural learning in a nonstationary uncertain environment: An evolutionary simulation and an experiment with human subjects. *Evolution and Human Behavior*, 23, 373-393.
- Lee, K., & Ashton, M. C. (2004). Psychometric properties of the HEXACO Personality Inventory. *Multivariate Behavioral Research*, 39, 329-358.
- Lee, K., & Ashton, M. C. (2008). The HEXACO personality factors in the indigenous personality lexicons of English and 11 other languages. *Journal of*

*Personality*, 76, 1001–1053.

- Lee, K., & Ashton, M.C. (2005). Psychopathy, Machiavellianism, and Narcissism in the Five-Factor Model and the HEXACO model of personality structure. *Personality and Individual Differences*, 38, 1571–1582.
- Lee, K., Ashton, M. C., & De Vries, R. E. (2005). Predicting workplace delinquency and integrity with the HEXACO and five-factor models of personality structure. *Human Performance*, 18, 179–197.
- Lee, K., Ashton, M. C., & Shin, K. H. (2005). Personality correlates of workplace anti-social behavior. *Applied Psychology*, 54, 81–98.
- Lee, K., Ogunfowora, B., & Ashton, M.C. (2005). Personality traits beyond the Big Five: Are they within the HEXACO space? *Journal of Personality*, 73, 1437–1463.
- McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1997). Personality trait structure as a human universal. *American Psychologist*, 52, 509–516.
- McCrae, R. R., & Costa, P. T. (2003). *Personality in adulthood*. New York: Guilford.
- Palahang, H., Neshat Doost, H.T., Molavi, H. (2009). Standardization of Revised HEXACO Personality Inventory (HEXACO-PI-R) in Iranian Students. *Tabriz University Journal of Psychology*, 16 (4), 48-66.
- Perugini, M., Gallucci, M., Presaghi, F., & Ercolani, A. P. (2003). The personal norm of reciprocity. *European Journal of Personality*, 17, 251-283.
- Samuel D. B., & Widiger, T. A. (2011). Conscientiousness and obsessive-compulsive personality disorder. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 2, 161-174.
- Saucier, G., & Goldberg, L. R. (1998). What is beyond the Big Five? *Journal of Personality*, 66, 495– 524.
- Saucier, G., Georgiades, S., Tsaousis, I., & Goldberg, L. R. (2005). The factor structure of Greek personality adjectives. *Journal of Personality and Social Psychology*, 88, 856-875.
- Seyyed Abbaszade, M.M., Amani Saribagloo, J., Khezri Azar, H. & Pashewi, Gh. (2012). *An introduction to Structural Equation Modeling by PLS method and its application in behavioral science*. Orumiye: Orumiye University Pub.
- Sharifi, A.A. (2006). *Milon Clinical MultiAxical Inventory-III (MCMI-III) Guidebook*. Abolfazl Karami (Eds). Teharan: Ravansanji Pub.
- Sharifi, A.A., Molavi, H. & Namdari, K. (2008). The validity of MCMI-III (Milon) scales. *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 34, 27-38.
- Wasti, A., Lee, K., Ashton, M.C. & Somer, O. (2008). The Turkish personality lexicon and the HEXACO model of personality. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 39, 665-684.
- Winzi, V.E., Henseler, J. & Wang, H. (2010). *Handbook of partial Least squares*. Germany: Berlin, Springer pub.

---

**Preliminary study of Structural relationship of  
HEXACO personality factors and Cluster B  
personality disorders**

---

Isa Hekmati \*, Majid Mahmood Aliloo \*\*

, Roholah Seyed Mahdavi Aghdam \*\*\* & Solmaz Khojaste \*\*\*\*

**Abstract**

The aim of present study was to investigate structural relation of HEXACO personality factors and Cluster B personality disorders. 100 students were selected by simple sampling and filled out MCMI-III and HEXACO-PI-R. Then data were analyzed by Partial Least Square (PLS) method of structural equation modeling (SEM) and to this aim second version of SmartPLS software was used. The measurement model result showed about personality factors and personality disorders. Majority of indicators were valid and reliable, but some of them were loaded weakly in their latent variables, then they were excluded. Result of structural model indicates agreeableness, emotionality and honesty-humility had significant effect on antisocial personality disorder; emotionality and agreeableness had significant effect on borderline personality disorder; extroversion and openness to experience had significant effect on histrionic personality disorder; and finally extroversion, emotionality and honesty-humility has significant effect on narcissistic personality disorder. Also Q2 coefficient suggested That the present model is able to predict indicators of endogenous latent variables.

*Keywords:* personality; HEXACO model of Personality;  
Cluster B personality disorder

---

\* PhD Student of psychology, Tabriz University

\*\* Professor of clinical psychology, Tabriz University

\*\*\* M.Sc. in Clinical Psychology, Islamic Azad University of Tehran Science and Research Branch

\*\*\*\* M.Sc. in Psychology, Islamic Azad University of Ardebil Branch

Reseived:2014/6/23

Accepted:2015/11/3